

تاریخ جراحی

حکم کمبوجیه (دوم)

دکتر مصطفی جابرانصاری*، دکتر جمشید بهلکه**

تاریخ پزشکی سرشار از فرازهای برجسته است. فرازهایی غیرعادی، عجیب، استثنایی، غرورآفرین، هولناک، تکان‌دهنده، عبرت‌انگیز و آموزنده، یکی از این فرازها حکم کمبوجیه دوم است.

کمبوجیه دوم (کامبیز دوم) پسر بزرگ و ولیعهد کوروش کبیر بوده و حکومت بابل را در دست داشته و در زمان غیبت کوروش از ایران، نیابت سلطنت را نیز بعهده داشت. پس از درگذشت کوروش، کمبوجیه بر اساس وصیت او شاهنشاه ایران شد. وی همواره به برقراری نظم، امنیت و عدالت اهمیت می‌داد، بدین جهت برای قضاوت صحیح اولویت قائل بوده و سعی می‌کرد قاضی را حتی‌المقدور خود یا معتمدین وی برگزیند.

زمانی که به او خبر می‌دهند که یک قاضی فاسد با دریافت رشوه حق مردم را ضایع می‌کند، کمبوجیه به شدت برآشفته می‌شود و هیأتی را برای رسیدگی به موضوع گسیل می‌دارد. خود نیز آرام و قرار نداشته و حرکت می‌کند. پس از استماع گزارش هیأت و تأیید فساد قاضی، شخصاً در مسند قضاوت قرار می‌گیرد و فرمان می‌دهد تا قاضی را برای بازجوئی نزد او بیاورند. در خاتمه بازپرسی قاضی اقرار می‌کند که بارها مرتکب عمل زشت دریافت رشوه و صدور احکام ناحق شده است. از قضا معلوم می‌شود که پسر این قاضی فاسد نیز قاضی جوانی است که انتظار مسند را می‌کشد. فرمان می‌دهد تا قاضی جوان را نیز به محکمه بیاورند.

تا اینجا که قصه را با علاقمندی دنبال کرده‌اید احتمالاً می‌اندیشید که خوب داستان شیرینی است، اما چه ربطی به تاریخ جراحی دارد؟ کمی صبر کنید. به اصطلاح امروزی پس از تفهیم اتهام به قاضی فاسد و سکوت او و تأثر و بهت قاضی جوان، کمبوجیه حکم می‌کند تا قاضی فاسد را بر تخت ببندند و جلادان زنده زنده پوست او را جدا کنند، تکان دهند است. سپس حکم می‌کند تا پوست قاضی را بر روی مسند قضاوت (کرسی مخصوص قضاوت) نصب کنند. آنگاه حکم می‌کند که قاضی جوان به جای پدر بر مسند بنشیند و به او چنین می‌گوید:

از این پس تو قاضی این ناحیه خواهی بود و در این مسند به عدالت حکم می‌رانی و هر بار که حکمی صادر می‌کنی به یاد می‌آوری که در مسند بر روی چه چیز نشسته‌ای.

این داستان عبرت‌انگیز الهام‌بخش نقاشی هلندی بنام جرارد (ژرارد) دیوید (Gerard David: 1460-1523) شد تا با خلاقیت خود و البته اطلاع دقیق از آناتومی بدن انسان، از صحنه پوست‌کندن قاضی فاسد و جلسه محکمه تابلوهای بدیع و ماندگاری را نقاشی کند.

بله داستان عبرت‌انگیز تاریخ پزشکی بهانه‌ای شد برای خلق یک اثر هنری و در این اثر عناصر تشریحی زیر پوست انسان به درست‌ترین و دقیق‌ترین شکل نقاشی شده‌اند. نقاشی‌های قرون وسطی و بعد از آن نقش مهمی در پیشرفت علم پزشکی و جراحی داشته‌اند و اغلب الهام‌بخش خالق اثر یک اتفاق خارق‌العاده و غیرعادی بوده است.

نویسنده پاسخگو: دکتر مصطفی جابرانصاری

تلفن: ۸۸۷۵۹۸۶۳

Email: ansari_17@yahoo.com

* متخصص جراحی عمومی و اطفال، بیمارستان مهراد

** متخصص بیهوشی و راینماسیون

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۲/۰۲

این دو تابلو که با هم در سال ۱۴۹۸ میلادی تصویر شده‌اند، توسط حاکم شهر پراگ سفارش داده شد و در تالار دادگستری شهر نصب شد تا هشداری باشد به قاضیان شهر برای تصمیم‌گیری‌های خود. این یکی از دلایلی است که افراد این تابلو با اینکه روایت‌کننده یک داستان اتفاق افتاده قبل از میلاد مسیح هستند، اما لباس‌هایی مربوط به دوران قرن پانزده میلادی را پوشیده‌اند.

اما این تابلو به همین سادگی فقط روایت‌کننده محض نیست. شاید با بیان جزئیات تابلو بفهمید که تابلو جذاب‌تر از این حرف‌ها است. جرارد دیوید تلاش کرده است تا تمام جزئیات داستان را در تابلو بیاورد. مثلاً در بخش پشتی صحنه دریافت رشوه را توسط قاضی می‌بینید.

افرادی که در کنار کمبوجیه دوم ترسیم شده‌اند اعضای شورای شهر پراگ هستند! دو بشقابی که در کنار صندلی قضاوت بر روی دیوار آویزان شده‌اند در واقع بی‌ارتباط با داستان نیستند.

بشقاب سمت چپی مربوط به داستان هرکول و همسر خیانتکاری است که به مجازاتی دردناک می‌رسد. سیسامنس هم مجازات خیانت در عدالت را در اینجا دریافت می‌کند. بشقاب سمت راستی آپولو و مارس‌سیاس را نشان می‌دهد. مارس‌سیاس به جهت نافرمانی از آپولو که خدای او بود به سرنوشتی مشابه دچار شده است. پوست او نیز کنده می‌شود! و در نهایت پرده آخر این داستان مربوط به پسر قاضی مجازات شده است در پشت صحنه قرار دارد و بر روی صندلی قضاوت می‌نشیند.

شایان ذکر است که هنرمندان متعدد دیگری نیز داستان حکم کمبوجیه را به اشکال گوناگونی از مدال و گردن آویز گرفته تا نقاشی روی شیشه و اشکال دیگر به تصویر کشیده‌اند. بنظر می‌رسد در دورانی که هنوز سواد، خط و کتابت عمومیت نداشته و کتاب و آثار مکتوب دیگر در دسترس عموم قرار نداشته است، اینگونه آثار هنری نقش یادآور و رسانه‌ای را به عهده داشتند تا چنین روایات و حکایاتی ماندگار شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد.

اختلاف کوچکی نیز مابین روایت ویل دورانت از این داستان وجود دارد، به طوری که ویل دورانت گزارش می‌کند که پوست قاضی متخلف را زنده زنده کنده‌اند، در حالی که هرودوت می‌نویسد که ابتدا قاضی رشوه‌خوار را اعدام کرده و سپس اقدام به کندن پوست وی کرده‌اند.

در پایان هرچند ارتباط مستقیمی با تاریخ جراحی ندارد، جالب است بدانیم که میزان حق‌الزحمه دریافتی این هنرمند و حتی نحوه دریافت و تاریخ‌های دریافت اقساط نیز ثبت شده و مشخص است (قرن پانزدهم بلژیک) (تصاویر ۱ و ۲).



تصویر ۱- جلسه بازجوئی از قاضی متخلف



تصویر ۲- صحنه کندن پوست قاضی متخلف توسط سلاخ ها و جزئیات آناتومیک